

فِعل های زمان های زبان فارسی

فِعل فعل کلمه ای است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در یکی از زمان های ماضی (گذشته)، مضارع (حال) و مستقبل (آینده) بیان می کند. **هر فِعل سه زمان اصلی دارد:** ۱- ماضی (گذشته) ۲- مضارع (حال) ۳- مُستقبل (آینده).

مَصَدَر: کلماتی که به حرف نون (ن) ختم می شوند و معنی فعل را می رسانند ولی فعل نیستند، مصدر می گویند. **چرا:** چون شخص و زمان ندارند. مثال: رفتن، نوشتن.

هر فِعل سه شخص اصلی دارد که هر کدام به دو شخص از نظر مشرک و جمع تقسیم می شوند:
 ۱- متکلم { اوّل شخص مفرد و اوّل شخص جمع }
 ۲- مخاطب { دوّم شخص مفرد و دوّم شخص جمع }
 ۳- غایب { سوّم شخص مفرد و سوّم شخص جمع }.

هر فِعل دو چهره دارد: ۱- **بُن یا ریشه فعل** { به جزء اوّل فعل که در همه شخص ها ثابت است و تغییر نمی کند، بُن یا ریشه فعل می گویند. **انواع بُن یا ریشه فعل:**

الف) بُن یا ریشه ماضی: هرگاه از مصدر حرف نون (ن) را حذف یا برداریم، بُن ماضی بدست می آید. / مصدر - ن = بُن ماضی / مثال: رفتن - ن = رفت، نوشتن - ن = نوشت.

ب) بُن یا ریشه مضارع: هرگاه از مصدر یا فعل مورد نظر فعل حرف (ب) را حذف یا برداریم، بُن مضارع بدست می آید. /

مصدر / فعل ← امر - ب = بُن مضارع / مثال: رفتن ← امر؛ برو - ب = رو، نوشتن ← امر؛ بنویس - ب = نویس.

۲- **شناسه فعل** { به جزء دوّم فعل که در همه شخص ها تغییر می کند و مفهوم شخص و زمان را در بردارد، شناسه فعل می گویند. **انواع شناسه فعل:**

نکته: شناسه های ماضی همانند شناسه های مضارع است با این تفاوت که سوّم شخص مفرد ماضی شناسه ندارد و آن به این معنا نیست که سوّم شخص مفرد ماضی فاقد شناسه است؛ زیرا اگر چنین بود، قادر به تشخیص شخص و شمار آن نبودیم و نبودن شناسه، خود نوعی شناسه است. {

* ۳- **پیشوند یا نشانه** { معمولاً در ابتدای بعضی از افعال می آیند و عبارتند از: می، ب }

الف) شناسه ماضی:		ب) شناسه مضارع:	
من	مَ	ما	مِ
تو	تِ	شما	شِمِ
او	اِ	ایشان(آنها)	اِشَانِ

صفت و مشبکلی: هرگاه به آخر بُن ماضی حرف (ه/ه) را اضافه کنیم، صفت مفعولی بدست می آید. بُن ماضی + (ه/ه): مثال: رفت + (ه/ه) = رفته، نوشت + (ه/ه) = نوشته.

افعال: اوّل شخص مفرد / دوّم شخص مفرد / سوّم شخص مفرد / اوّل شخص جمع / دوّم شخص جمع / سوّم شخص جمع

فِعل آمر: بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی به صورت فرمان یا خواهش دلالت می کند. / نکته: فعل امر از دوّم شخص مفرد و دوّم شخص جمع ساخته می شود. / **طرز ساخت فعل:** در مفرد: بُ / بُ + بُن مضارع در جمع: بُ + بُن مضارع + (ید)

۱. فعل آمر: برو - بنویس / بروید - بنویسید



افعال	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
-------	--------------	--------------	--------------	-------------	-------------	-------------

فعل نهی : بیانگر فعلی است که برانجام ندادن یا نگرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی به صورت فرمان یا خواهش دلالت می کند . / نکته : فعل نهی از دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع ساخته می شود . / **طرز ساخت فعل** : در مفرد : نَ / هَ + بِن مضارع در جمع : نَ / هَ + بِن مضارع + (ید) / نکته : امروزه فعل هایی که با هَ نهی می شوند ، کاربرد ندارند .

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
نَرو - نَنویس / مَرو - مَنویس	نَروید - نَنویسید / مَروید - مَنویسید				

فعل ماضی (گذشته) : بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته دلالت می کند .

۱. **فعل ماضی ساده** { مُطَاع } : بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته به صورت ساده که برای یکبار انجام شده یا رخ داده و پایان یافته است ، دلالت می کند . / **طرز ساخت فعل** : بِن ماضی + **شناسه های ماضی**

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
رَفَتَم / نَوَشَتَم	رَفَتَی / نَوَشَتَی	رَفَتَ / نَوَشَتَ	رَفَتِیم / نَوَشَتِیم	رَفَتِید / نَوَشَتِید	رَفَتَند / نَوَشَتَند

۲. **فعل ماضی استمراری** : بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته که برای چندبار انجام شده یا تکرار شده و برای مدتی دوام و استمرار و تکرار و ادامه داشته است ، دلالت می کند . / **طرز ساخت فعل** :

۱. می + ماضی ساده { بِن ماضی + **شناسه های ماضی** }
۲. همی + ماضی ساده { بِن ماضی + **شناسه های ماضی** }
۳. ماضی ساده { بِن ماضی + **شناسه های ماضی** } + می / نکته ۱ : از شکل ۳ ، صیغه های اول شخص مفرد و سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع کاربرد داشته اند و بقیه اشکال آن ، بسیار به ندرت استفاده شده اند . / نکته ۲ : شکل های ۲ و ۳ در گذشته مرسوم بوده اند و امروزه کاربرد ندارند .

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۱. می رفتم / می نوشتم	۱. می رفتی / می نوشتی	۱. می رفت / می نوشت	۱. می رفتیم / می نوشتیم	۱. می رفتید / می نوشتید	۱. می رفتند / می نوشتند
۲. همی رفتم / همی نوشتم	۲. همی رفتی / همی نوشتی	۲. همی رفت / همی نوشت	۲. همی رفتیم / همی نوشتیم	۲. همی رفتید / همی نوشتید	۲. همی رفتند / همی نوشتند
۳. رفتندی / نوشتندی	۳. رفتیدی / نوشتیدی	۳. رفتی / نوشتی	۳. رفتیمی / نوشتیمی	۳. رفتیدی / نوشتیدی	۳. رفتندی / نوشتندی



افعال	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
<p>۲. فعل ماضی مُسْتَمَرَّ {پجاری، مَلَمَس، نَائِمَام} : بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته که در حال اتفاق افتادن یا انجام شدن بوده است و همراه با کار دیگری انجام شده یا رخ داده است، دلالت می کند. / طرز ساخت فعل : صرف فعل کمکی داشت (داشت + شناسه های ماضی) + ماضی استمراری (می + ماضی ساده (بُن ماضی + شناسه های ماضی)) / نکته : گاهی بین فعل کمکی و قسمت اصلی فعل فاصله می افتد ؛ اشتهاً آن را دو فعل در نظر نگیرید .</p>						
۳. فعل ماضی مُسْتَمَرَّ	داشتم	می رفتم	داشتی	می رفتی	داشتیم	می رفتیم
	داشتند	می رفتند	داشتی	می رفتی	داشتیم	می رفتیم
۴. فعل ماضی نَقْلِي	داشتم	می نوشتم	داشتی	می نوشتی	داشتیم	می نوشتیم
	داشتند	می نوشتند	داشتی	می نوشتی	داشتیم	می نوشتیم
<p>۴. فعل ماضی نَقْلِي {تَرِيْب، نَزْدِيْگ} : بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی که در زمان گذشته به صورت قطع و یقین رخ داده یا انجام شده و آثار و نتایج آن تا زمان حال ادامه یافته و باقی مانده و پابرجا است، دلالت می کند. / طرز ساخت فعل : صفت مفعولی (بُن ماضی + ه) + صرف فعل کمکی است (آست - ام، ای، است - ایم، آید، آند) / نکته ۱ : توجه داشته باشید که آم، ای، است - ایم، آید، آند در فعل ماضی شناسه نیستند، بلکه گونه ای از فعل «است» همراه با شناسه اند که امروزه این فعل در زبان فارسی به شکل روبرو صرف می شود : آم، ای، است - ایم، آید، آند اما این فعل در گذشته در زبان فارسی به شکل زیر صرف می شده است : آستم، آستی، است - استیم، آستید، آستند و هنوز هم در بعضی از گویش های ایرانی و همچنین گویش های تاجیکستانی و افغانستانی، از همین شکل صرف استفاده می کنند. / نکته ۲ : شکل ۲ در گذشته مرسوم بوده اند و امروزه کاربرد ندارند و به جای آن از شکل ۱ استفاده می کنند .</p>						
۴. فعل ماضی نَقْلِي	۱. رفته ام	نوشته ام	۱. رفته ای	نوشته ای	۱. رفته ایم	نوشته ایم
	۲. رفته استم	نوشته استم	۲. رفته آستی	نوشته آستی	۲. رفته استیم	نوشته استیم
۴. فعل ماضی نَقْلِي	۱. رفته اند	نوشته اند	۱. رفته ای	نوشته ای	۱. رفته ایم	نوشته ایم
	۲. رفته آستند	نوشته آستند	۲. رفته آستید	نوشته آستید	۲. رفته آستیم	نوشته آستیم

افعال	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
<p>۵. فعل ماضی نقلی {قَرِيبَ ، قَرِيبًا} {قَرِيبًا} ، قَرِيبًا ، قَرِيبًا ، قَرِيبًا ، قَرِيبًا} بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته ، دلالت می کند . طرز ساخت فعل : /</p> <p>می + ماضی نقلی (بِن ماضی + ه) + صرف فعل کمکی آست (اُم ، اِی ، آست ه - ايم ، اید ، آند)</p>						
۵. فعل ماضی نقلی	می رفته اَم	می رفته اِی	می رفته اَست ه	می رفته ايم	می رفته اید	می رفته آند
مُستَمَر	می نوشته اَم	می نوشته اِی	می نوشته اَست ه	می نوشته ايم	می نوشته اید	می نوشته آند
<p>۶. فعل ماضی بعید {دور} : بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته دور (نسبت به زمان حال) ، دلالت می کند . به عبارتی دیگر کاری در زمان گذشته ، پیش از کار دیگری که آن هم در گذشته رخ داده ، انجام گرفته باشد . / طرز ساخت فعل : صفت مفعولی (بِن ماضی + ه) + صرف فعل کمکی بود (بود + شناسه های ماضی)</p>						
۶. فعل ماضی بعید	رفته بودم	رفته بودی	رفته بود ه	رفته بوديم	رفته بودید	رفته بودند
	نوشته بودم	نوشته بودی	نوشته بود ه	نوشته بوديم	نوشته بودید	نوشته بودند
<p>۷. فعل ماضی أبعد {خِیْلًا ، خِیْلًا ، خِیْلًا ، خِیْلًا ، خِیْلًا} بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته خیلی دور یا بسیار دور یا دورتر (نسبت به زمان حال) ، دلالت می کند . به عبارتی دیگر کاری در زمان گذشته ، پیش تر از کار دیگری که آن هم در گذشته رخ داده ، انجام گرفته باشد . / طرز ساخت فعل : صفت مفعولی (بِن ماضی + ه) + ماضی نقلی از مصدر بودن (بوده اُم ، بوده اِی ، بوده اَست - بوده ايم ، بوده اید ، بوده آند)</p>						
۷. فعل ماضی أبعد	رفته بوده اَم	رفته بوده اِی	رفته بوده اَست ه	رفته بوده ايم	رفته بوده اید	رفته بوده آند
	نوشته بوده اَم	نوشته بوده اِی	نوشته بوده اَست ه	نوشته بوده ايم	نوشته بوده اید	نوشته بوده آند
<p>۸. فعل ماضی التزامی : بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان گذشته که همراه با شک و تردید و دودلی ، تمنا و خواهش ، دریغ و افسوس ، احتمال و امید و آرزو ، شرط و مانند و الزام است ، دلالت می کند . / طرز ساخت فعل : صفت مفعولی (بِن ماضی + ه) + صرف فعل کمکی باشد (باش + شناسه های مضارع) / نکته : معمولاً همراه این نوع فعل ، کلمه های « باید ، تا ، اگر و شاید » می آید .</p>						



افعال	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
۸. فعل ماضی التزامی	رفته باشم نوشته باشم	رفته باشی نوشته باشی	رفته باشد نوشته باشد	رفته باشیم نوشته باشیم	رفته باشید نوشته باشید	رفته باشند نوشته باشند
<p>فعل مضارع (حال)؛ بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان حال یا آینده نزدیک دلالت می کند.</p> <p>۱. فعل مضارع ساده {مُطَاعَفٌ}؛ بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان حال یا آینده نزدیک برای مدتی به صورت تکرار و استمرار و ادامه، دلالت می کند. / طرز ساخت فعل: بن مضارع + شناسه های مضارع</p>						
۱. فعل مضارع ساده	روم نویسم	روی نویسی	رود نویسد	رویم نویسیم	روید نویسید	روند نویسند
<p>۲. فعل مضارع اخباری؛ بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان حال و آینده نزدیک که هم اکنون به صورت خبر قطع و یقین و حتم در حال انجام شدن است، دلالت می کند. / طرز ساخت فعل: می مضارع ساده (بن مضارع + شناسه های مضارع)</p>						
۲. فعل مضارع اخباری	می روم می نویسم	می روی می نویسی	می رود می نویسد	می رویم می نویسیم	می روید می نویسید	می روند می نویسند
<p>۳. فعل مضارع التزامی؛ بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان حال یا آینده نزدیک که همراه با شک و تردید و دودلی، تمنا و خواهش، دریغ و افسوس، احتمال و امید و آرزو، شرط و مانند و الزام است، دلالت می کند. / طرز ساخت فعل: ب مضارع ساده (بن مضارع + شناسه های مضارع) / نکته ۱: معمولاً همراه این نوع فعل در جمله، کلمه های «باید»، «تا»، «اگر و شاید» می آید. / نکته ۲: گاهی ممکن است در فعل های مضارع اخباری و التزامی، در جمله بدون نشانه آغازین «می» و «ب» به کار بروند و در این مواقع، معنی عبارت، ما را در تشخیص نوعشان کمک می کند.</p>						
۳. فعل مضارع التزامی	بروم بنویسم	بروی بنویسی	برود بنویسد	برویم بنویسیم	بروید بنویسید	بروند بنویسند

اف	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
----	--------------	--------------	--------------	-------------	-------------	-------------

۳. فعل مضارع مُسْتَمِر {چاری، واکموس، ناکام}: بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان حال یا آینده نزدیک که هم اکنون در حال انجام شدن بوده است و همراه با کاری دیگر انجام شده است، دلالت می کند. /
طرز ساخت فعل: صرف فعل کمکی دارد {دار+ شناسه های مضارع} + مضارع اخباری {می} + مضارع ساده {بُن مضارع+ شناسه های مضارع} /
 نکته: گاهی بین فعل کمکی و قسمت اصلی فعل فاصله می افتد؛ اشتبهاً آن را دو فعل در نظر نگیرید.

۴. فعل مضارع مُسْتَمِر	دارم می روم	داری می روی	دارد می رود	داریم می رویم	دارید می روید	دارند می روند
	دارم می نویسم	داری می نویسی	دارد می نویسد	داریم می نویسیم	دارید می نویسید	دارند می نویسند

۴. فعل مستقبل (آینده): بیانگر فعلی است که بر انجام دادن یا گرفتن کاری یا روی دادن حالتی و صفتی توسط شخص یا اشخاصی در زمان آینده دلالت می کند و فقط یک نوع دارد. /
کاربرد: زمان آینده در زبان فارسی معمولاً در نوشتار کاربرد دارد و در گفتار، اغلب به جای آن از مضارع اخباری استفاده می شود. /
طرز ساخت فعل: صرف فعل کمکی خواهد {خواه+ شناسه های مضارع} + بُن ماضی / سوم شخص مفرد ماضی ساده

۱. فعل مستقبل	خواهم رفت	خواهی رفت	خواهد رفت	خواهیم رفت	خواهید رفت	خواهند رفت
	خواهم نوشت	خواهی نوشت	خواهد نوشت	خواهیم نوشت	خواهید نوشت	خواهند نوشت

